وآنان که در راه ما با جان ومال جهاد کردند محققاً آنان را به راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

دور ششم | سال دوم | شماره هفتم | چهارشنبه ۱۹ قوس ۱۳۸۲ | ۱۶ شوال المکرم ۱۴۲۴ - | 10 December 2003

سرمقاله

شیوهٔ تصویب قانون اساسی باید دموکراتیک وآزاد باشد

ص۲

چرا نظام پارلمانی را عنوان می کنیم؟

ص۲

شهروندان کابل، نمایندگان شان را به لویه جرگهٔ قانون اساسی برگزیدند

۱۷قوس در یک رأی گیری سری وآزاد شهروندان کابل(۳۲) تن از نمایندگان شان را برای لویه جرگهٔ قانون اساسی افغانستان برگزیدند به گزارش خبرنگار مجاهد از محل تدویر انتخابات در استدیوم ملی، در حالی که ۸۹۲ تن از نمایندگان دور اول نواحی(۱۶) گانه شهر کابل حاضر بودند رأی گیری انجام یافت و برای (۴۵) تن از کاندیداها رأی رأی دادند که در نتیجهٔ (۳۲) تن از کاندیداها به حیث نمایندگان این شهر کابل به لویه جرگهٔ قانون اساسی افغانستان انتخاب شدند. از مجموع آرا (٤) رأی به دلایل مختلف باطل شد اعلان شد.


عبدالحفیظ منصور


خانم مسعوده جلال


دکتر عبیدالله عبید


فضل کریم ایماق


سید باقرشیخ زاده


شیرعلم بهادر


مولوی عبدالوکیل


شکیبا

برندگان این رأی گیری قرار ذیل اعلان گردید:

۱- عبدالحفیظ منصور ۸۱ رأی
۲- دکتر مسعوده جلال ۵۰ رأی
۳- دکتر محی الدین مهدی ۵۰ رأی
٤- دکتر عبیدالله عبید ٤۷ رأی
۵- دکتر سمیع الله ٤۰ رأی
٦- عبدالشکورواقف حکیمی۳۹ رأی
۷- فضل کریم ایماق ۳۹ رأی
۸- سید محمدشعیب مولوی زاده ۳۹ رأی
۹- هاشم مهدوی ۳٤ رأی
۱۰- راضیه نعیمی ۳۲ رأی
۱۱- محمدباقرشیخ زاده ۳۰ رأی
۱۲- یارمحمد ۲۹ رأی
۱۳- حاجی بیدار ۲۹ رأی
۱٤- عبدالکبیر رنجبر ۲٤ رأی
۱۵- مولوی عبدالوکیل ۲۲ رأی
۱٦- عبدالمنیر دانش ۲۲ رأی
۱۷- سید انور اعلا رحمتی ۲۱ رأی
۱۸- حاجی نظر محمد ۱۹ رأی
۱۹- حبیبه امین ۱۹ رأی
۲۰- احمد شاه ۱۸ رأی
۲۱- محمد ابراهیم ۱۸ رأی
۲۲- حفیظ الله نورستانی ۱٦ رأی
۲۳- غلام داوود ۱٦ رأی
۲٤- حاجی سلطان محمد ۱۵ رأی
۲۵- سیدگلاب ۱۳ رأی
۲٦- رضا ذکی ۱۳ رأی
۲۷- شیرعلم بهادر ۱۲
۲۸- شکیبا ۱۱ رأی
۲۹- غلام ربانی ناشر ۱۰ رأی
۳۰- محمد عالم امینی ۹ رأی
۳۱- غلام ربانی فرملی ۹ رأی
۳۲- مسلمه ۸ رأی

نمایندگان انتخاب شده از ولسوالی هـای ولایت کابل قرار ذیل اند:

۱- استاد عبدرب الرسول سیاف
۲- انجنیر احمد شاه احمدزی
۳- دوست محمد عمری
٤- صدیق چکری
۵- ملاعزت الله
٦- عبدالستار
۷- نظر محمد
۸- عبدالبصیر صدیقی
۹- شیرشاه
۱۰- غلام رضا
۱۱- استاد سیفی
۱۲- حاجی جنت گل
۱۳- نورالله

بررسـی ایـن ارقـام نشـان مـی دهدکـه طرفـداران مجاهدان بیشترینه آرای مردم را برده اند ص۷


محمد عالم امینی

اعتـذار: متأسفانه نتوانستیم عکس های نمایندگان ولسوالی های ولایت کابل و شماری از نمایندگان منتخب شهر کابل را به دست بیاوریم. اداره


دکتر محی الدین مهدی


عبدالشکور واقف حکیمی

عبدالحفیظ منصور نماینده با بلندترین ارای شهر کابل:

سه تقاضای عاجل در آستانهٔ برگزاری لویه جرگهٔ قانون اساسی

آقای عبدالحفیظ منصور که بیشترین رأی را در شهر کابل دریافت نموده وطی یک سال گذشته از منتقدان آقای کرزی بوده است درمصاحبه یی با مجاهد گفت که در آستانهٔ برگزاری لویه جرگهٔ قانون اساسی سه تقاضای عاجل از کرزی دارم.

او تقاضاهایش را قرار ذیل اعلان داشت:

۱- از انتصاب(۵۰) تن دست بکشد و اگر این تعداد از افراد را انتصاب می کند باید آنها حق رأی دادن را نداشته باشند وبگونهٔ مشاور در لویه جرگه حضور بهم برسانند زیرا این بی انصافی است که شهرسه میلیونی کابل حق انتخاب (۳۳) نماینده را داشته باشند ولی یک نفر به تنهایی(۵۰) تن را انتصاب می کند در حالی که رئیس دولت در چنین مورد به عنوان یک فرد است.

۲- ورود او به تالار لویه جرگه در معیت محافظان خارجی توهین وتحقیر به ملت ومردم افغانستان است که باید از آن جلوگیری کند تاموجب ایجاد عکس العمل نگردد.

۳- مسودهٔ حاضر قانون اساسی افغانستان ظالمانه، مستبدانه ودیکتاتور مآبانه است. حالا که او آرا ونظریات مردم را شنیده است باید با در نظر داشت آن تعدیلات را بپذیرد وموجب کشمکش وتنش نگردد.

عبدالشکور واقف حکیمی نمایندهٔ منتخب شهر کابل:

چند مطلب مهم در بارهٔ تصویب قانون اساسی

* اسلام دین بیش تر از ۹۹٪ مردمان این سرزمین است. این دین بااعتقادات واحکامش باید جایگاهی بلند در قانون اساسی داشته باشد.

* ساختار نظام سیاسی افغانستان برپایهٔ نظام پارلمانی استوار شود، چنان که مردم از راه پارلمان(شورا) ممثل حاکمیت باشند نه افراد، چون تجربه نشان داده است که ص۷


انتخابات وکلای شهریان کابل برای لویه جرگهٔ تصویب قانون اساسی در استدیوم ورزشی کابل

مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر : دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر
آدرس : کابل- چار راهی زنبق
صندوق پستی : ۲۲۶
شماره های تلفن:
همراه: ۰۷۰۲۸۵۱۳۹ / دجیتال: ۲۱۰۲۲۲۹
E-mail: mujahidweekly@yahoo.com

سرمقاله

شیوهٔ تصویب قانونی اساسی باید دموکراتیک وآزاد باشد

قرار است به روز شنبه ۲۲ قوس لویه جرگهٔ تصویب قانون اساسی دایر گردد. آنچه دراین راستا بسیار مهم به نظر می رسد، شیوهٔ تصویب مواد قانون در جلسات لویه جرگه است که باید دموکراتیک و آزاد باشد.

آن گونه که تا کنون به نظر رسیده است در کار انتخابات نمایندگان مردم، در برخی از ولایت ها مشکلات و انتقادهایی وجودداشته است که حتی سبب بروز واکنش هایی از جانب مردم گردیده است و نشان می دهد که مداخلاتی در کار انتخابات موجود بوده است و چنین امری باعث می گردد که همه نمایندگان واقعی مردم به شورا راه نیابند.

شیوهٔ تصویب مواد قانون از اهمیت بیشتر برخوردار بوده و باید به گونه کاملا آزاد و دموکراتیک صورت پذیرد.

در جلسات لویه جرگهٔ قانون اساسی باید به نمایندگان مردم وقت کافی داده شود تا در پیرامون مواد قانون اساسی اظهار نظر نمایند؛ زیرا هرگونه سهل انگاری وسطحی نگری دراین مورد می تواند بر بی اهمیت شدن قانون بینجامد که با در نظر داشت فرصت مساعد آمده و ضرورت های جامعه به هیچ وجه به نفع مردم و کشور ما نمی باشد.

به نمایندگان مردم باید این فرصت وزمینه مساعد شود که به گونهٔ یک جمع واحد در مورد مواد قانون اساسی نظر ورأی بدهند. هرگونه کوشش برای پراگنده ساختن آرا ونظریات، می تواند به معنای تصویب نشدن واقعی قانون تلقی گردد.

بیگمان می توان گفت که نماینده های مردم نیز مسؤولیت های خطیر و بزرگ دینی، مردمی و وطنی را به عهده دارند. کار نمایندگی از مردم برای تصویب قانون اساسی مسؤولیتی ساده نبوده و در واقع اساس سرنوشت آیندهٔ مردم و کشور را می سازد.

بهترین ومهمترین موقع برای ترجیح دادن منافع ملی بر منافع شخصی وگروهی همین فرصت به دست آمده برای تصویب قانون اساسی است ومی تواند به عنوان «محک تجربهٔ» اثبات این امر به شمار آید.

نمایندگان مردم باید متوجه این امر باشند که با تصویب قانون اساسی مسؤولیت سرنوشت نسل های امروز و فردای کشور عزیزمان را به عهده گرفته اند و در واقع در برابر خدا و این مردم وتاریخ مسؤولیت می پذیرند. بناءً فقط یک مصلحت باید در نظر گرفته شود و بس که آن هم فقط منافع ملی ما می تواند باشد.

مسودهٔ قانون اساسی، دیدگاه ها و نظریات

چرا نظام پارلمانی را عنوان می کنیم؟

پوهنمل سید عنایت الله شاداب

در این چند هفتهٔ اخیر که مسودهٔ قانون اساسی بعد از مدت ها انتظار وچشم به راهی طیف های مختلف مردم، پرده از چهره برداشت. گونه گون واکنش هایی را، در پی داشت که در وسایل ارتباط جمعی نوشتاری، دیداری وشنیداری بازتاب گسترده یافت. یقیناً این واکنش ها از آبشخورهای مختلفی سرچشمه گرفته که خاستگاه برخی را واقعیت های کنونی کشور تشکیل می داد. وبرخی هم برمحور گرایش های قبیله یی، قومی و... استوار است که داوری پیرامون هریک آن ها از حوصلهٔ این بحث بدور است.

آن دسته از موضوعات وگذاره هایی که در این مسودهٔ قانون اساسی پیش از همه نظرها را به خود جلب کرده است، موضوعاتی است از قبیل: جایگاه دین، نوعیت نظام، سرودملی، بیرق، مسؤولیت های دولت در ایجاد جامعه یی دور از جهل، فقرومرض و...

مردم ما در این چند دههٔ اخیر باآگاهی یی که در تحولات ونقش افرینی های توده های میلیونی کسب نموده اند، بحث در پیرامون موضوعات یاد شده را بحثی تلقی می کنند گره خورده باسرنوشت امروز وفردای خود واهمال در قضایایی از این طراز را اهمال در مقدرات آیندهٔ خویش می دانند.

آری پرورش نسل جدید در آزمونگاه تحولات چند دههٔ اخیر ومدرسهٔ انقلاب، آن ها را به این باور رسانیده است که خاستگاه هرگونه تحولی را باید در متن توده های میلیونی وباورهای آن ها سراغ گرفت، نه وصایای القا شدهٔ ذواتی از برج های عاجی ودیکته شده از ورای مرزهای جغرافیایی وفرهنگی که نه باسرنوشت تاریخی این ملت همسویی دارند ونه با غرور ملی اش همخوانی.

نوعیت نظام یکی از قضایایی بس مهم است که طیف های مختلف مردم رهایی از استبداد ویا خورد شدن آمال وخواسته های شان را بدان وابسته می دانند، استبدادی که ریشه های آن در جامعهٔ ما چون سایر جوامع شرقی ژرفایی دارد بدرازای تاریخ آن ها.

با یاد آوری آنچه گفته شد، این پرسش مطرح می شود که چه نوع نظامی می تواند مردم این کشور واستعدادهای ناشگفتهٔ آنان را از له شدن وخوردشدن درزیر چرخه های استبداد سیاسی ریشه دار در آن کشور، نجات دهد؟

در این راستا نظرهای مختلفی بخوانش گرفته شده است، برخی ها نظام ریاستی را بحیث یک نسخهٔ شفابخش عنوان می کنند وبرخی هم نظام پارلمانی را حلال گره های کور وضع کنونی کشور می دانند- که به باور ما- ملاک سودمند بودن وغیر سودمند بودن هر یک را از یک طرف در تطابق با واقعیت های موجود در کشور وترکیب ملی وارزیابی جو اعتماد میان مؤلفه های ترکیب ملی می توان بخوانش گرفت و از جانب دیگر مشروعیت هرنظام سیاسی را باید در چوکات مقوله هایی به بررسی گرفت که مشروعیت وعدم مشروعیت آن ها مصداقیت خود را درهمان چوکات باز می یابد.

مشروعیت نظام های سیاسی چه در فقه سیاسی اسلام وچه در بینش سیاسی غرب، بر بنیاد قراردادی صورت می پذیرد که در یک طرف آن ملت قرار دارد ودر طرف دیگر آن زعامتی که ملت به آن بیعت داده وفرمانبری از وی را در چوکات التزامات داده شده از جانب وی متعهد می شود.

قراردادی از این طراز را در فقه سیاسی اسلام به عقدوکالت تشبیه کرده اند که ملت در نقش مؤکل است وشخص رئیس یا رهبر در نقش وکیل، و وکیل هروقتی که از انجام التزامات خود در برابر مؤکلان خود کوتاهی کرد، آن ها حق دارند به وکیل خود هشدار دهند ودر صورت عدم مؤثریت این هشدار، به برکناری آن دست یازند.

در آموزه های سیاسی اسلام اصل شورا، امر به معروف ونهی از منکر، جمعیت ها واحزاب، کانون علمی واجتماعی که اکنون در نقش شعارهای فاقد دستگاه های موثر وابزارها وساز و کارهایی بخوانش گرفته می شوند خود عامل باز دارندهٔ حکومت ها از استبداد وخود کامگی ها است.

بدون شک در غیاب همچو دستگاه های مؤثر وباز دارندهٔ حکمروایان از خودکامگی ها، موازنه میان حکمروایان وشهروندان برهم خورده وآن بیعت ص۷

در حاشیهٔ انتخابات وکلای شهر کابل برای لویه جرگهٔ قانون اساسی

بختیار

به روز دوشنبه(۱۷) قوس، انتخابات وکلای شهر کابل برای لویه جرگهٔ قانون اساسی تکمیل گردید. در این انتخابات۴۴ کاندیدا برای قرار گرفتن در ۳۲ کرسی در یک مبارزهٔ انتخاباتی سهم گرفتند.

گزارش شده است که۸۹۲کارت رأی به صندوق های رأی گیری ریخته شد که کمیتهٔ مؤظف رأی شماری۴کارت آن را باطل تشخیص داد.

انتخابات وکلای شهر کابل. محاسبه وانتظار وکوشش های ضمنی برخی از افراد را نادرست وبی مورد ثابت ساخت: زیرا عده یی با استفاده از دستگاه های خبری وتبلیغاتی دولت، تلاش هایی را به راه انداخته بودند تا زمینه را برای پیروزی افراد مورد نظر خود مساعد بسازند.

نتیجهٔ انتخابات وکلای شهر کابل چند درس مهم وآموزنده را با خود دارد که نباید نادیده گرفته شود.

تقریباً یک سال می شود که آقای عبدالحمید مبارز با استفاده از صلاحیت های معینیت نشراتی وزارت اطلاعات وفرهنگ، روزنامهٔ انیس، روزنامهٔ هیواد، روزنامهٔ لغو شدهٔ آرمان ملی، آژانس اطلاعاتی باختر ورادیو وتلویزیون را به منظور پخش واشاعهٔ نظریات شخصی خود مورد استفاده قرار داده است. عمده ترین هدف او صدمه زدن به اعتبار وحیثیت مجاهدان ومقاومت گران بوده است واو می خواهد باعنوان کردن وپخش تحلیل ها ومباحثات بدون استدلال وسطحی به این مأمول دست بیابد.

بدون تردید که هم آقای مبارز وهم مقامات عالی دولت این نکته را می دانند که دستگاه های خبری وتبلیغاتی دولت، مال همهٔ ملت است وهیچ کسی حق ندارد آن را به مقصد حصول منافع واهداف شخصی مورد استفاده قرار بدهد؛ اما با وجود تذکرات مکرر نه تنها به این گونه سوء استفاده ها پایان داده نشد، بلکه برای استفاده های وسیع تر آن زمینه سازی صورت گرفت که چنین برخوردی موجب ایجاد سوء ظن هایی نیز گردیده است.

در آستانهٔ انتخابات وکلای شهر کابل، وزیر اطلاعات وفرهنگ در یک حرکت ضمنی وهدفمند با استفاده از وسایل وامکانات دولتی، عده یی از مأموران آن وزارت ورهگذران تماشاچی را در پارک مقابل مسجد عیدگاه جمع نمود وبه بهانهٔ تدویر مجلسی از شورای شهروندان کابل، تبلیغاتی را علیه مجاهدان انجام داد. او با ایراد چند جملهٔ احساساتی در مورد تخریبات ناشی از جنگ های اطراف کابل می خواست وانمود سازد که مسؤولیت ص۳

مسودۀ قانون اساسی، دیدگاه ها و نظریات

زریاب رهنورد در گفتگو با مجاهد

نارسایی های زبانی در مسودۀ قانون اساسی

طرح مسودۀ قانون اساسی باوجود آن که زمان طولانی را در برگرفت وتعداد قابل ملاحظه یی ازچهره های انتصابی روی آن کار ومطالعه نمودند، نه تنها در اصل وماهیت بااشکالات ونارسایی هایی چشم گیر وغیر قابل اغماض از آب در آمد که حتی از لحاظ زبانی هم اشتباه واغلاط فراوان دارد.

خبرنگار جریدۀ مجاهد چگونگی مسألۀ زبان ونارسایی های زبانی در مسودۀ قانون اساسی را بامحترم محمد اعظم رهنورد زریاب، نویسنده وپژوهشگر کشور که صاحب آثار وتألیفات گوناگون هستند وبه عنوان یک داستان نویس مشهور در ادبیات افغانستان ازجایگاه ویژه یی برخوردار می باشند، درمیان گذاشته است وآنچه در ذیل از نظر می گذرد ایرادها وپیشنهاداتی است که آقای زریاب نسبت به نارسایی های زبانی در متن مسوده وارد ساخته اند

در آغاز سخن، تأکید رهنورد زریاب بر پختگی متن وترکیب درست جملات وکار بست دقیق املا، دستور زبان وسایر خصوصیاتی صورت گرفت که باید در متن هایی مانند متن مسودۀ قانون اساسی نزد طراحان ونویسندگان مد نظر بوده وبه اهمیت آن توجه مبذول گردد.

رهنورد زریاب در این زمینه چنین گفت:

«اصلاً زبان هر قانون، خصوصاً قانون اساسی، باید زبانی باشد استوار، شفاف، فخیم، بلیغ وبا صلابت وغالباً قانون های اساسی جهان از نظر زبانی همین ویژگی ها را دارند؛ به گونۀ مثال: دیپاچۀ قانون اساسی امریکا یکی از بهترین نمونه های نشر زبان انگلیسی به حساب می آید.

اما متأسفانه زبان مسودۀ قانون اساسی ما، زبانی است نابه هنجار، سست ونادرست. این نابه هنجاری های زبانی در امور انشا، نشانه گذاری ونبود اعراب ونبود دستور زبان در طول پیشنویس قانون اساسی فراوان به ملاحظه می رسد؛ بگونۀ مثال در مقدمه، جملات بامربع کوچک آغاز می یابد ودر پایان هرجملۀ ناقص یک نقطه وجود دارد. در حالی که نه مربع در شروع سطر ونه نقطه در پایان آن، هیچ کدام درست نیست ولازم هم نمی باشد.

لازم بود بجای مربع در شروع هر سطر علامت(-) گذاشته می شد وبه جای نقطه علامت(؛) در پایان سطور می آمد.

درکار بست کلمۀ«تقدیر» نیز دقت وتوجه لازم بکار نرفته است: تقدیر در زبان عربی غیر از قضا وسرنوشت و به معنای اندازه گرفتن به کار می رود، در حالی که در مقدمه به معنی قدردانی وستایش آمده است که درست نیست.

به همین ترتیب آوردن کلمۀ «از طریق» درست نیست باید به جای آن کلمۀ«توسط» می آمد.

همچنان از نظر املا، گاه پیشنۀ«به» پیوست وگاه منفصل به کار رفته وهای جمع(ها)، گاه با واژۀ قبلی پیوست است وگاه جدا که این یکدست نبودن املا در یک متن مهم مانند قانون اساسی که یک وثیقۀ بزرگ به شمار می رود، به هیچ وجهی قابل عفو وبخشایش نیست.

در همین مقدمه، «ارج گذاری» به(ز) نوشته شده که لازم بود به ذال(ذ) نوشته می شد وعلامت اضافت(ء) کاملاً غایب است:

آمده است: «بارعایت منشور ملل متحد واعلامیه جهانی»؛ اعلامیۀ جهانی مضاف ومضاف الیه است که علامت آن در جمله وجود ندارد.

ماده اول، این چه معنا دارد؟ باید می بود؛ مادۀ اول. ماده باید بادال مشدد(د) نوشته می شد وعلامت اضافت(ء) باید وجود می داشت.

در مادۀ چهارم: عبارت پناهنده وپناهنده گی، نادرست است. این عبارت از مصدر پناهیدن به صورت نادرست ساخته شده است؛ به قیاس: رونده، کننده وبرنده، از امر مخاطب مفرد.

بگونۀ مثال: نویس، امر است، وقتی(نده) در آخر می آید، نویسنده می شود. اما، پناه امر نیست تا پناهنده ساخته شود.

در این گونه موارد بهتر وپسندیده آن است که پناه گزین وپناه جوی یا پناه گزین وپناه جویی آورده شود ونه پناهنده وپناهنده گی.

«انکشاف متوازن» در همه مناطق کشور»، عبارت درستی نیست. انکشاف در زبان عربی آشکار شدن وبرهنه شدن، معنا می دهد، در برابر کلمۀDevelopment باید توسعه وپیشرفت به کار می رفت نه انکشاف.

از رهگذر دستور زبان لغزش هایی فراوان دیده می شود:

در مادۀ دوازدهم: عبارت«از صلاحیت بانک» نادرست است. باید گفته می شد: نشر پول صلاحیت بانک می باشد، یا نشر پول از صلاحیت های بانک می باشد.

در مادۀ چهاردهم: انکشاف«وشرایط» نادرست به کار رفته است، در زبان عرب، شرایط، شرط وپیمان است، به جای آن اوضاع یا وضعیت بهتر ودرست است.

واژه های نادرست فرنگی لزومی برای کاربرد ندارد. بگونۀ مثال: پروگرام، نادرست است باید برنامه به عوض آن نوشته می شد.

در مادۀ شانزدهم:«نشر رسانه ها» عبارت نادرست است رسانه وسیله است ووسیله نشر نمی شود.

در مادۀ هجدهم، «مبدأ تقویمی» درست نیست، باید مبدأ تقویم نوشته می شد.

در همین ماده، «بنای کار ادارات دولتی»، درست نیست، باید نوشته می شد: مبنای کار تقویم هجری شمسی می باشد.

در سراسر این مسوده کلمۀ(اتباع) آمده، که فرودستی واستخفاف را می رساند، این کلمه به شهروندان باید تعویض می شد.

لازم به تذکر است که کلمۀ شهروند شهربند معنای دگری در زبان فارسی دارد، ولی امروز جایگزینCitizen ودر برابر آن است.

در مادۀ بیست ودوم: عبارت «در برابر قانون» در این ماده زایده است. باید نوشته می شد؛ شهروندان افغانستان حقوق و وجایب مساوی دارند.

در کار برد مصطلحات هم آهنگی وجود ندارد:

در مادۀ سی وچهارم: «وسایل ارتباط جمعی به کار رفته در حالی که در مادۀ شانزدهم«مصطلح» رسانه ها» نوشته شده است.

درمادۀ چهل ویکم: ... افغانستان عضو آن باشد، نادرست است، باید می بود، افغانستان عضو آنها باشد.

در مادۀ شصت وسوم، عبارت«از تطبیق آن» نادرست است باید می آمد: از تطبیق آنها.

در مادۀ شصت وهفتم: «در صورت غیاب» به چه معنا؟ باید می بود: در غیاب رئیس جمهور.

در مادۀ هفتاد وپنجم، «تکنالوژی»، درست نیست، باید می بود؛ تکنالوژیک.

به جای«وبانفاذ آن قوانین وفرامین تقنینی مغایر احکام این قانون اساسی ملغی می باشد»

باید نوشته می شد: با نفاذ آن قانون اساسی۱۳۴۳ملغی می باشد.

در حاشیۀ انتخابات وکلای شهر کابل...

این همه ویرانی وجنگ به دوش مجاهدان است. در حالی که برای هرکسی روشن است که مجاهدانی که امروز درمیان مردم خود حضور دارند در هنگام چنان جنگ هایی نیز از مردم خود دفاع می نمودند وتاهنوز هم عامل مداخلۀ خارجی را بستر اصلی ظهور آن جنگ ها می دانند.

مردم ما این نکته را نیز می دانند که مجاهدانی که امروز درمیان شان حضور دارند، همان هایی اند که دیروز در برابر طالبان ایستادند وبا پرداختن بهایی سنگین از حیثیت، وقار واستقلال سرزمین خود دفاع نمودند.

سقوط طالبان نه به اثر ایراد بیانیه ها وپخش اعلامیه ها ونه هم به دلیل تماشا کردن وآه کشیدن از دور میسر بود. همه می دانند که در آن هنگام گلستان این وطن برای سرسبز ماندن خون می طلبید واین مجاهدان بودند که در ترکیب شورای عالی دفاع وجبهۀ متحد اسلامی مردانه رزمیدند، زخم برداشتند وشهید شدند وامروز ناجوانمردانه توسط یکی دونفر باسؤ استفاده از وسایل وامکانات دولتی مورد انتقادات ناوارد قرار می گیرند.

برداشت عمده از حرکت اخیر وزیر اطلاعات وفرهنگ وتلاش های بیمورد یکسالۀ آقای مبارز همین بود که می خواهند نقش مجاهدان را در هرنوع انتخابات ضعیف بسازند؛ ورنه در احوالی که مردم ما بادلهره واضطراب در انتظار تصویب یک قانون اساسی دموکراتیک ومردم سالار لحظه شماری می کنند، چه ضرورتی وجود داشت که دستگاه های خبری دولت توسط مجریان آن برای مقاصدی دیگر مورد استفاده قرار گیرد؟

جا داشت که در چنین هنگامی سالن مطبوعات بین المللی وامکانات رادیو تلویزیون تدویر میزهای مدور وبحث وجدل در پیرامون مسودۀ قانون اساسی را شاهد می بود؛ ولی متأسفانه که به این مأمول ملی، با ارزش وسرنوشت ساز کمتر پرداخته شد ودر عوض به مقاصد واهداف سیاسی بیشتر ارجحیت داده شد.

در یک هفته از سه تاچهار خبر شورای شهروندان کابل نشر می گردد، اما در مقابل آن به وکلای انتخابی وکاندیداها فرصت داده نمی شود تا بااستفاده از نهادهای تبلیغاتی دولتی که در واقع ملکیت عامه است، در جهت آشنا ساختن مردم خود باقانون اساسی، مفاد، ارزش ها واهمیت آن صحبت کنند.

کوشش ها برای صدمه زدن به اعتبار ومحبوبیت مجاهدین بیشتر در کابل متمرکز بود، اما نتایج انتخابات نمایندگان برای لویه جرگۀ قانون اساسی در شهر کابل واطراف آن ثابت ساخت که مردم مسلمان ورنج کشیدۀ ما به آن همه تلاش های ناشیانه وقعی ننهاده وبرعلاوه براعتماد خود نسبت به مجاهدان به عنوان فرزندان خود افزوده اند.

اگر به نتیجۀ انتخابات نمایندگان مردم برای لویه جرگۀ قانون اساسی به دقت نگریسته شود واضح می گردد که امکانات، تبلیغات وپرحرفی، محبوبیت واعتماد مردم را فراچنگ نمی آورد؛ بلکه مردم ما به خوبی درک می کنند که کی از امکانات دولت به عنوان ملکیت عامه به سود اهداف شخصی خود استفاده می برد.

میزان آگاهی مردم ما به مقایسۀ دهه های گذشته بسیار بلند است وآنان چنین محاسباتی را به بسیار سادگی انجام می دهند ودقیقاً متوجه هستند که شعار وعمل تاچه حد باهم مطابقت دارد. آیا همان هایی که بیشتر از دموکراسی، مردم سالاری، آزادی بیان وحق وسهم مساوی سخن می گویند، خود به آن وفادار ومتعهد هستند یا خیر؟

جای بسیار تعجب است که آقای مبارز در مورد نام«دولت جمهوری اسلامی» برکلمۀ اسلامی ایراد گرفته ومی گوید که مردم ما مسلمان اند وبا آوردن ونیاوردن این پسوند تغییری رخ نمی دهد. او اضافه می کند که بیم دارد فردا فردی مانند ملاعمر به قدرت برسد و از این پسوند استفادۀ طالبانی ببرد.

درست است، اما اگر بیم به قدرت رسیدن کسی مانند ملاعمر آن هم در نتیجۀ انتخابات وجود دارد، پس چگونه می توان از نظام ریاستی حمایت کرد ونظام پارلمانی را رد کرد؟ در این صورت آیا به جا نیست که از نظام پارلمانی آن هم بنا بردلایل ارایه شده توسط مبارز حمایت شود؟ اما عبدالحمید مبارز در این مورد طوری دیگر اندیشیده ونظام ریاستی را مناسب حال ملت ومملکت تشخیص می دهد. چرا؟

شاید پاسخ های همین چراها وپرسش ها بود که سرنوشت انتخابات نمایندگان شهر کابل برای لویه جرگۀ قانون اساسی را تعیین کرد، ورنه جا داشت کسانی که از جمع آوردن بیش از۱۲هزار کابلی در یک ساعت سخن می گویند، حداقل ۱۲نمایندۀ خود را به پیروزی می رسانیدند واعتماد مردم را نسبت به آنان به نمایش می گذاشتند.

خفته

لطیف ناظمی

الا برنشسته
تو بر مخملین هودج خواب نوشین
در معبد نوبهار دوچشمت
تو بگشا بر آتشپرستان مؤمن
بر این خیل زو رار دلگیر ودر بند
مغان دو دستم
پرستندهٔ گوهر نور و آتش
ستایشگران اهورای نامت،
رسولان عشقند
تو بگذار بر نیزه داران مژگان
رسولان عاشق بتازند
تو بگذار اهریمن خواب ها را
به زنجیرهای اسارت ببندند
چو ضحاک پتیاره یی در دماوند
ایا خفته عریان
درخت گشن بیخ آن مینوی باغ جنت
که هر شاخ انگشت نورانی تو
کند فره ایزدی را اشارت
دهد دین پاک بهی را بشارت
ردایی ز ابریشم بوسه هایم
به آتشگهٔ پیکرت نذر کردم
به دوش تو تا نفگنم این ردا را
ز آتشگهٔ پیکرت بر نگردم
به زردشت جان عزیز تو سوگند
الا بر نشسته
بر این مخملین هودج خواب
دگر خواب نوشین رهاکن
دو لب را به لبخند واکن
تو بکشا اوستای چشمت
که دیریست نکشوده ای هردو لب را
نخواندم حدیثی از این زند وپازند

دخیال تصویر

زکوخیل

ژوندي مي شي مړي هیلي ارمانونه کله کله
چي راوړي ستاله خوا باد سلامونه کله کله
غمونه او دردونه رانه هیریوه شیبه شـــي
چي خیال مي میلمانه کړي ستاخیالونه کله کله
دسترګو پر اوبویي ګراني تل خړوبه ومـــه
چي مړاوي ستا ښایست بڼ شي ګلونه کله کله
له خیاله جوړ تصویر شي مینه مینه ورته وایي
خو جوړ له دي تصویره شي دردونه کله کلـه
ورځي په منډه منډه زکوخیل په تمه تمـــه
چي راشي ستا پرغم بار کاروانونه کله کله

به سوی رنگ خزان

رفعت حسینی

درخت
شاخه به شاخه
به سوی رنگ خزان اوج می گیرد.
پرنده
-مثل طراوت-
به کوچ می اندیشد
وباغ دانسته است:
که مغز سبز وی از جملهٔ خشونت برف
انجماد را را خواهد آموخت

دو غزل از سمیع حامد

عریان تر از همیشه

دکتر عبدالسمیع حامد

از دستهای خالی، خنجر گرفته مـــردم
در پشت سینهٔ خود سنگر گرفته مـــردم
از بس که رهنمایان سید عبور کشتـــند
راه روان خون را رهبر گرفته مـــردم
در زیر تیر باران عریان تر از همیـــشه
چتری زبی پناهی بر سر گرفته مـــردم
از آتشی که هر شب گرم است بزم شیطان
یا در به در تپیده یا در گرفته مـــردم
مانند روح دریا همدست نوح فـــردا!
یک انقلاب توفان در بر گرفته مـــردم

عاشقی در تیرباران

دکتر عبدالسمیع حامد

پا به پای یار و باران رفت و آمد می کند
دست در دست بهاران رفت و آمد می کند
با طلوع یک تبـرزین طلا بر زین موج
باز در دریا گذاران رفـــت و آمد می کند
دره یی از کاجهـای ارغـوانی در رهش
باهوای کهســاران رفت و آمد می کند
چون درفش آذرخشـی بال در بال خیال
بر فراز روزگاران رفت و آمـــد می کند
در پناه شیشه های تیزهٔ چشـــمان من
عاشقی در تیر باران رفت و آمد می کند

آن شب

محمد حسین جعفریان

باز این منم! عابری در پسکوچه های مرورت
باز این منم! تکه ابری در آسمان ظهورت
آه ای شهاب سخنگو! از پافشردن چه حاصل؟
وقتی به آتش کشیده است، تنهاییم را حضورت
انبوه اندوه هایم، برشانه ی شعر هایم
می ریزد از صخره هایم، چون بهمنی با عبورت
*
آن شب که از شادی وغم، از آرزوهای مبهم
از زخم بی تکیه گاهی، گفتی به سنگ صبورت
نامی در عمق سکوتت، پیوسته پر می زد اما
گویا فراتر نمی رفت، از قله های غرورت
**
گفتم: «نمی دانمت من!» خندیدی، اما، خدایا!
ناگاه از اشک پر شد... ناگاه چشم بلورت
***
آن شب که پرشعله بودند،آن شب که باریده بودند
ای کاش بوسیده بودم، چشمان سرخ وصبورت
وقتی که برکشتی ازخویش،از پشت دیوارتشویش
دیدی که نزدیک آمد، مرد افقهای دورت.

تشبیه در شعر معاصران

بخش نخست

محمد اسحاق فایز

واما در شعر معاصر فارسی — دری نیز تشبیه ارزش بارز وگستردهٔ دارد. این ارزش از آنجا ناشی می شود که شعر معاصر نیز مشحون از تصاویر وتعابیر تشبیهی فراوانی است که زیباتر وپیچیده تر از ادبیات کلاسیک، شاعران معاصر به آن پرداخته اند.

یک دید وبررسی کلی از شعر فارسی-دری در حد اقل نیم قرن اخیر نشان می دهد که همزمان با ظهور شعر نو فارسی-دری، تشبیهات شاعران زبان فارسی-دری نیز دگرگونی یافته و «نو» شده است. زیرا می دانیم که مشخصهٔ تغیر در هر سبکی تغیر در تشبیه واستعاره در شعر نیز می باشد.

به قول دکتور سیروش شمیسا «وقتی سبکی تغیر می کند بیشترین تغیر در تشبیه واستعاره صورت می گیرد زیرا نگرش هنرمند به جهانی که بیشتر در وجه تشبیه رخ می نماید، دچار دگرگونی می شود....».

بررسی ها نشان داده است که نو شدن شعر فارسی -دری تنها از جهت تغیر در ساختار ارکان عروضی شعر ویا در هم شکستن سنت وزن وتوسل به بی وزنی نبوده است بلکه شاعران معاصر از لحلاظ فکر ومضمون و دید هنری نیز نو شده اند ودر نتیجه تصویری که شعر آن ها ارائه می کند از جهاتی نیز بکر نو و تازه است.

چنین دیده می شود که شاعر قرن ماهواره واتم دیگر ملزم نیست موی معشوقه اش را به شب سیاه تشبیه کند و یاروی او را به ماه (ماهی که دیگر مانند زمین ما پر از کوه ها وکتل ها و بیابان های تاریک و بی علف و آب است و حیف است که روی معشوقه هامان به آن همه معایب مانند شود).

آری شاعر امروز دیگر دریافتش از زندگی، حیات و رمز وراز های طبیعت چنان وسیع، بزرگ و در عین حال پیچیده شده است که برای دانستن آن عمری مطالعه ومرارت لازم می افتد.

از همین روی است که شاعران معاصر نیز همراه با نو شدن دید واندیشه شان، نحوهٔ ارائه تعابیر و تصاویر ذهن شان از زندگی را نیز نو وتازه نموده اند.

فهمیدن رمز و راز های تشبیه و کار برد آن در شعر شاعران مانند گذشته به فهم و درک بهتری نیاز دارد تا ارکان تشبیه و کیفیت تشبیه درک شود و لذتی از آن دست دهد و تصویر در ذهن خواننده حاصل آید.

یاد آور باید شد که شاعران معاصر حتی گاهی از ادات تشبیه نوی نیز استفاده می کنند.

در تشبیه معاصران نیز بیشتر به به تقسیم تشبیه به حسی یا غیر حسی بودن طرفین تشبیه (مشبه ومشبه به) تاکید شده است که برای روشن شدن نمونه های از آن را می آوریم:

وبر فراز سر دلقکان پست
وچهرهٔ وقیح فواحش
یک هالهٔ مقدس نورانی
مانند چتر مشتعلی می سوخت

فروغ فرخزاد

در اینجا شاعر طرفین تشبیه را کاملاً حسی انتخاب نموده است (یعنی با حواس پنجگانه می توان طرفین تشبیه را احساس کرد).

ویا:

چشمهایت غروب هراتند
درشط بی شکیب هریوا

لطیف ناظمی

ویا:

بر صخره های شانه لختم ریز
آن آبشار گیسوی نرمت را

لطیف ناظمی

نمونه دیگری از فروغ:

ترانه یی غمناک
چو دود بر می خاست
زشهر زنجره ها

چو دود می لغزید
به روی پنجره ها

آوردن این نمونه ها به خاطر دریافت تعابیر وبرداشت های جدید و تشبیهات نو است. به نمونه های دیگر توجه کنید:

گوش دادم به همه زندگیم
موش منفوری در حفرهٔ خود
یک سرود زشت مهمل را
با وقاحت می خواند
جیر جیری سمج و نامفهوم
لحظه ای فانی را چرخ زنان می پیچید
و روان می گشت بر سطح فراموشی

فروغ فرخ زاد

لطیف ناظمی خود را چقدر زیبا به ماسه های کنار دریایی مانند می کند که از تشنگی سوخته است می گوید:

کنار لاشهٔ مرداب خستهٔ بی ماه
سکوت ماسهٔ دریا کنار سوخته ام

رفعت حسینی لحظهٔ وداع را با معشوقه نا مهربان چنین تصویر می کند می گوید:

گاه رفتن چو به چشمت می بینم
یاد شبهای زمستانی می افتم
ورهی بی پایان.

و در پایان با قطعه شعر زیبای دکتور عبدالسمیع حامد این مقال را به پایان می بریم تشبیهاتش را خود دریابید:

آه! تنهاکاجهای کوهزاد جنگل آزاد می دانند!
کز پی این باد — این دجال آتشیال-
اژدهایی از تبار دیو ماران جهنم می رسد در باغ
-پای تا سر خنجر پاییز-

در نوشتن این مختصر، از این آثار بهره جسته ام:
بیان-دکتر سیروس شیمسا
بگذار شب همیشه بماند-دوکتور عبدالسمیع حامد
تصویر صدا -رفعت حسینی
از باغ تا غزل -لطیف ناظمی
سایه ومرداب- لطیف ناظمی
دیوان فروغ وفرخزاد

مسودهٔ قانون اساسی، دیدگاه ها و نظریات

اقتصاد بازار در مسودهٔ قانون اساسی

وحید مژده

دولت، سرمایه گذاریها و تشبثات خصوصی را مبتنی بر نظام اقتصاد بازار، مطابق به احکام قانون، تشویق و حمایت می کند و مصئونیت آن را تأمین می نماید. این مطلب در مادهٔ دهم مسودهٔ قانون اساسی آمده است.

در اینجا سخن بر سر سیستم اقتصادی است. تا قبل از فروپاشی اتحاد شوروی، همان گونه که در جهان دو بلاک نظامی وجود داشت، دو سیستم اقتصادی نیز با هم در رقابت بودند. سیستم اقتصاد سرمایداری که مبتنی بر بازار آزاد و رقابت است و سیستم اقتصاد سوسیالیستی که اساس آن بر سیستم کنترول دولت بر اقتصاد می باشد.

بر بنیاد سیستم اقتصاد بازار، یک دست غیر مرئی خود اقتصاد را بصورت طبیعی رهبری می کند که عبارت از عرضه و تقاضا می باشد. بنا براین هر مداخلهٔ دولت در اقتصاد به معنی مختل ساختن این میکانیزم طبیعی است. پس باید دولت از مداخله در اقتصاد خودداری ورزد.

با بررسی جنبه های عملی این دو سیستم می توان گفت که اقتصاد بازار آزاد در جهان در مقایسه با سیستم اقتصاد پلان مرکزی یا سوسیالیستی موفق تر بوده است. به عنوان مثال اگر ما دو کشور آلمان شرقی و غربی در دوران جنگ سرد را در نظر بگیریم، در حالی که هردو کشور بعد از جنگ دوم جهانی از شرایط مشابه اقتصادی و نیروی بشری بسوی رشد اقتصادی گام برداشتند اما آلمان غربی در مدت کوتاه توانست بر مشکلات ناشی از خرابی های جنگ فایق آید و گام در راه پیشرفت اقتصادی بگذارد در حالی که آلمان شرقی در تحت سلطهٔ نظام سوسیالیستی و اقتصاد رهبری شده، از کاروان پیشرفت اقتصادی عقب ماند. بصورت کلی تمام کشور های اروپای شرقی بعد از جنگ جهانی دوم به همین مشکل مواجه بودند که علت آن همانا سیستم اقتصاد رهبری شده یا پلان مرکزی بود.

با فروپاشی اتحاد شوروی، سیستم اقتصاد رهبری شده نیز از میان رفت. نه تنها کشور های بلاک شرق و جمهوری های به استقلال رسیدهٔ اتحاد شوروی سابق راه رشد سرمایداری را در پیش گرفتند بلکه فدراسیون روسیه نیز گام در راه سیستم اقتصاد بازار آزاد نهاد.

کشوری چون روسیه با وجود داشتن زیر بنای اقتصادی قدرتمند بخصوص در بخش صنعت، با گام نهادن در راه اقتصاد بازار آزاد به مشکلات بزرگ اقتصادی مواجه شد. کشوری که چند سال قبل دهها کشور در جهان از کمک های اقتصادی و فنی اش برخوردار بودند ناگهان به یک کشور فقیر و مقروض مؤسسات پولی بین المللی و کشور های ثروتمند غربی مبدل گردید. شرکت های بزرگ شخصی بسرعت رشد کردند و قدرتی بالا تر از قدرت دولت یافتند. سازمان های مافیایی چنگ بر حلقوم سیستم اقتصادی و اجتماعی روسیه انداختند و حتی کار به جایی رسید که دختران جوان روسی در بازار های فحشا در سراسر جهان در معرض حراج قرار داده شدند.

این سرنوشت یک ابرقدرت با زیر بنای اقتصادی قدرتمند بود که به بازار امتعهٔ غربی مبدل گردید. تلاش ها برای این که چین را هم به همین راه بکشانند آغاز گردید اما چینی ها به این راه نرفتند. چین با درک خلا های نظام اقتصاد رهبری شده، به رشد سکتور خصوصی توجه کرد اما نه بشکل نظام اقتصاد سرمایداری بی بند وبار. سیستم اقتصاد مختلط که اینک چین برگزیده است، موجب گردیده که این کشور در بازار های جهانی جای پای محکمی بیابد و امروز جهان سرمایداری را توان رقابت در برابر امتعهٔ ساخت چین نیست.

××

اقتصاد بازار آزاد مانند

> **سیستم اقتصاد مختلط که اینک چین برگزیده است موجب گردیده که این کشور در بازار های جهانی جای پای محکمی بیابد و امروز جهان سرمایداری را توان رقابت در برابر امتعهٔ ساخت چین نیست.**

دموکراسی محصول یک دورهٔ طولانی از رفتن ها افتادن ها و باز برخاستن ها و تجارب بدست آمده از این افت و خیز هاست. کاری نیست که با اقتباس یک یا چند ماده از قانون فلان کشور غربی پیشرفته، بتوان آن را در یک کشور عقب مانده چون افغانستان پیاده کرد و از آن همان نتیجه یی را گرفت که مثلا در امریکا گرفته اند.

نخست از همه این که دست نامرئی که نظام اقتصاد بازار را رهبری می کند، عرضه و تقاضاست. این میکانیزم در صورتی می تواند کارایی مثبت داشته باشد که در کشور اجناس و خدمات متعدد توسط عرضه کنندگان بشکل رقابتی عرضه گردد. یعنی برای تولید هر جنس و یا خدمت مورد نیاز مردم چندین کارخانه و موسسهٔ عرضه کننده موجود باشد تا با هم رقابت کنند و نتیجهٔ این رقابت موجب پائین آمدن قیمت گردد و به این ترتیب مستهلکان از آن سود ببرند. اما در کشور ما وضع چگونه است؟ به عنوان مثال:

شرکت موبایل افغان بیسیم خدمات تلفون موبایل را به مردم عرضه می کند. این شرکت در طول دوسال با موقعیت انحصاری تا توانست خون این ملت را مکید ولی هیچکس هم نتوانست جلو خود سری های آن را بگیرد. همه می دانند که مسؤولان امر با این شرکت ساخت و بافت دارند و از همه مهمتر بند ناف این شرکت به امریکا وصل است. مثال دیگر:

در شرایطی که انترنت امروز در جهان یک وسیلهٔ مهم آموزش و اخذ خبر و بخشی از ضروریات روزانهٔ مردم به شمار می رود، و حق الاشتراک آن حتی در کشور های همسایهٔ ما فوق العاده نازل است، از قیمت کمپنی هایی که این خدمت را به شهریان کابل عرضه می کنند بپرسید که این فیس ماهانه چقدر است و آیا جز عده یی سرمایدار دیگران توان استفاده از آنرا دارند؟ این در حالی است که این شرکت ها از سهولت های مالیاتی دولت استفاده می کنند در حالی که در کشور های همسایه این سهولت ها بسیار محدود تر است.

اقتصاد بازار در صورت رقابت می تواند به نفع مردم تمام شود. در صورتی که رقابتی موجود نباشد و دولت هم به این دلیل که در امریکا دولت در اقتصاد مداخله نمی کند از کنترول نرخ ها و شرکت ها در افغانستان ابا ورزد، باید در انتظار عواقب ناگوار اقتصادی و اجتماعی این وضع باشیم که به ثروتمند شدن یک اقلیت انگشت شمار و فقر توده های میلیونی مردم خواهد انجامید. این خود ناآرامی های اجتماعی را بدنبال خواهد داشت.

> **اگر در غرب اقتصاد بازار حاکم است به این معنی نیست که دولت ملت را به حال خود رها کرده است.**

آمدن کارگران خارجی به کشور سبب می شود تا بخشی از عاید حاصل از بازسازی کشور به خارج منتقل گردد زیرا ما قوای کار آموزش دیده نداریم. دو یا سه روز قبل از عید بعضی از مطابعی که به چاپ مجله و روزنامه اشتغال دارند تعطیل شدند زیرا اکثر کارگران فنی آن پاکستانی بوده و قبل از عید به کشور خود برگشته بودند. در بیشتر شرکت های ساختمانی نیز همین قاعده حکمفرماست. کارگر خارجی کم توقع و کارکن است و کارگر داخلی کم کار و پر توقع. کارگر خارجی ارزان تر تمام می شود. دولت هم حق ندارد در این کار مداخله کند زیرا دست نامرئی عرضه و تقاضا، خود جریان اقتصاد را تنظیم می کند. نتیجه چیست؟ وابستگی بیشتر از پیش این کشور به خارج و خارجیان.

سرمایدار فقط به منافع خود می اندیشد. در کشوری چون افغانستان اگر دولت همه چیز را بی مهار و بی قید وبند رها کند، دیری نخواهد گذشت که مقدرات این کشور و این ملت بدست

> **گسترش بخشیدن لشکر بیکاران در کشوری که اکثریت مردمش با بیکاری و فقر دست بگریبان اند، بدون عواقب ناگوار اجتماعی نخواهد بود.**

چند کمپنی و چند سرمایدار خواهد افتاد و آنان نیز بد تر از چند تفنگ سالار برملت ظلم و تعدی روا خواهند داشت. مردم حتی از ساده ترین مزایای این بازسازی که آموزش حتی حرفه های ساده است، نیز بی نصیب خواهند ماند. این مشکل در روسیه چنان حاد و پیچیده شد که ولادیمیر پوتین مجبور گردید حتی رئیس یکی از کمپنی های بزرگ نفتی را از کار برکنار و تحت پیگرد قانونی قرار دهد که این کار به اعتراض وسیع کشور های سرمایداری مواجه شد.

اگر در غرب اقتصاد بازار حاکم است به این معنی نیست که دولت ملت را به حال خود رها کرده است. ملت از حق بیمهٔ بیکاری، بیمهٔ صحی و سایر کمک های دولتی برخوردار بوده و دولت سالخوردگان را در دوران کهولت به امید کمک دیگران رها نمی کند. آیا وقتی در افغانستان به تقلید از غرب از نظام اقتصاد بازار سخن می گوییم، آیا در این موارد هم فکری به حال ملت شده است؟

وقتی دولت می خواهد تصدی های دولتی را به سکتور خصوصی واگذار نماید، چه فکری برای کسانی که با این اقدام شغل خود را از دست خواهند داد کرده است؟ گسترش بخشیدن لشکر بیکاران در کشوری که اکثریت مردمش با بیکاری و فقر دست بگریبان اند، بدون عواقب ناگوار اجتماعی نخواهد بود.

پس بهتر آن است که بجای تقلید کور از آنچه که در غرب حاصل چندین قرن تجربه است، راه معقول برای این کار جستجو شود. ما باید مزایای یک نظام اقتصاد مختلط را برای کشوری چون افغانستان مد نظر قرار دهیم. نظامی که در آن حق مداخلهٔ حداقل محدود برای دولت در اقتصاد محفوظ باشد. وقتی پس از گذشت زمان، میکانیزم عرضه و تقاضا و رقابت سالم بصورت تدریجی خود را با شرایط طبیعی اقتصاد کشور منطبق ساخت، می توان این مداخله را محدود تر و محدود ترکرد و در نهایت از بین برد.

پروژه هایی که امروز در کشور ما روی دست گرفته شده اند در قدم اول تولیدی نیستند. پروژه های ساختمانی و زیر بنایی تورم آفرین اند مگر این که در کنار آن به سکتور هایی که در قدم اول تولیدی اند توجه شود. درکشور ما سکتور زراعت می تواند این وظیفه را بدوش بگیرد در حالی که ما هیچ برنامه در بازسازی سکتور زراعت نداریم برعکس با ورود مواد غذایی از جمله گندم از خارج، دیگر زرع گندم برای دهقان مفادی ندارد. مصارفی که یک دهقان در طول سال در زمین انجام می دهد هرگز با حاصل گندم جبران شده نمی تواند.

از اینجاست که کشت خشخاش چندین برابر بیشتر از زمان حاکمیت طالبان کسب جاذبه نموده است.

این که در مسودهٔ قانون اساسی مبارزه با مواد مخدر از وظایف دولت ذکر شده است، آیا با سیستم اقتصاد بازار چگونه می توان این برنامه ها را بدون مداخله در اقتصاد سازمان داد؟ از چه راهی می توان سکتور زراعت را تقویت نمود بدون این که به اصول اقتصاد بازار صدمه وارد آید؟

هر یک از مشکلاتی که به آن اشاره شد، ایجاب مداخلهٔ دولت را در اقتصاد می نماید. بهترین راه این است که دولت مجمعی از اقتصاددانان را به بررسی وضع اقتصادی کشور بگمارد و از آنان بخواهد اولویت های اقتصادی کشور را فهرست نمایند و این نکته حیاتی تشخیص گردد که تحقق آن اولویت ها بدون مداخلهٔ مستقیم دولت ممکن است و یا نه؟ در غیر آن دلخوشی به راپور فلان بانک که رشد اقتصادی افغانستان از رشد اقتصادی کشور چین نیز بالا ترست، فقط می تواند اذهان ساده اندیش را اقناع نماید ولی گرهی از مشکلات این ملت نخواهد گشود.

از تصادفات روزگار

ابوبکر سبزوار

شنیدیم که مستر جورج بوش رئیس جمهور ایالات متحده، امریکا تصادفا بدون ویزه و اجازه و اطلاع قبلی عازم عراق شدند و سربازان امریکایی ناگهان و بصورت تصادفی او را در میان خود یافتند که یک فیل مرغ بریان برکف در مراسم دعای شکر شرکت کرد. ناگفته پیداست که فیل مرغ مذکور هم بدون اجازه و بدون تطبیق واکسین های لازم ضد جنون فیل مرغی به عراق آورده شده بود و بنا براین در این قانون شکنی گناهی نداشت. او برای شرکت در جنگ نیامده بود بلکه خود به قتل رسیده و برای این به عراق آورده شده بود تا بوسیله، جنگجویان بلعیده شود!

هیچکس حق ندارد بگوید که چرا حتی فیل مرغ امریکایی هم ملزم به رعایت قانون نیست زیرا همان گونه که بزرگان بالاتر از قانون اند، فیل مرغ ایشان هم التزامی به رعایت قانون ندارد.

باز هم از تصادفات روزگار طیاره، حامل دونالد رامسفیلد وزیر دفاع امریکا بجای این که به کابل نشست نماید. در مزارشریف برزمین نشست، بدون این که تخت نشینان کابل از آن اطلاعی داشته باشند. به این می گویند تضعیف تفنگ سالاران و تقویت دولت مرکزی در افغانستان! وقتی آقای رامسفیلد قدرت های محلی را برسمیت می شناسد و مستقیما با ایشان در تماس است، از فیل مرغ بی زبان که به عراق برده شده است نباید گله مند بود!

آیا واقعا امریکا افغانستان را یک کشور مستقل می داند؟ اگر چنین است پس چرا باید بدون اجازه، دولت مرکزی چنین سفر هایی صورت گیرد؟ مسأله یی نیست. فکر بد نباید کرد. اینها همه تصادف است.

آقای رامسفیلد به عین شکل سفری هم به عراق داشت. اصولا بزرگان نیازی به تشریفات ویزه و پاسپورت ندارند. این ضعفا هستند که تا پای به میدان هوایی یی در امریکا می نهند، مورد تلاشی انسان و حیوان قرار می گیرند و باید از دهها نوع بازرسی و آزمایش بگذرند. آنها حق دارند تا در مورد امنیت خود نگران باشند ولی ما نباید در این مورد تشویشی بخود راه دهیم زیرا ناتو و آیساف بجای ما به این کار مصروف است و آنهم با چه دقت و توجهی که مسلمان نبیند و کافر نشنود!

در دهراود ولایت ارزگان طیارات امریکایی به یک محفل عروسی حمله نموده و آن را بمباران فرمودند. ادعا کردند که ملا برادر آخند از فرماندهان طالبان به این محفل عروسی دعوت شده بود و این بمباران بخاطر کشتن ملا برادر بود. فرقی نمی کند اگر جمعی ملا برادر اندر و عده یی خواهر نیز در این ماجرا جان باختند. در حالی که حقیقت این است که این منطقه از مخالفان



طالبان بوده و کرزی را در زمان حمله، امریکا برضد طالبان یاری داده بودند. فکر بد نکنید. هرچند ملا برادری در میان کشته ها یافت نشد اما این بمباران کاملا تصادفی بود و به همین علت کسی از قربانیان آن نیز پوزش و معذرت نخواست.

و باز هم از تصادفات روزگار در منطقه، دور افتاده یی در ولایت هلمند، نیروهای امریکایی روستایی را بمباران کردند و عده یی را کشتند. به علت دور افتاده بودن آن منطقه تعداد کشته ها مشخص نشد. کسی صدای داد و فریاد خانواده های قربانیان را نیز نشنید. والی هلمند اعلام نمود که کسانی را برای تحقیق به منطقه، بمباران شده خواهد فرستاد اما نتیجه به هیچکس معلوم نشد. به این می گویند تصادف!

باز هم دست تصادف است که در نورستان منزل مولوی ربانی والی سابق این ولایت را بمباران می کنند و خانواده، وی را قتل عام می نماید. مولوی ربانی در کابل است و از دولت کرزی حمایت می کند. منزل او دور از قریه و در منطقه یی است که نمی توان گفت اشتباها هدف قرار گرفته است. او با طالبان و حکمتیار دشمنی سرسختانه یی داشت و اکنون باید تصادفا به این جرم مجازات می شد. به مولوی ربانی گفتند که به ما گزارش رسیده بود که گلبدین حکمتیار در منزل شما مهمان است و به همین علت این (اشتباه) رخ داد. باز هم فکر بد نکنید، این حمله هم مانند حمله به دوستان آقای کرزی و مخالفان طالبان در دهراود تصادفی است. تصادفا منزل یکی از مخالفین حکمتیار بمباران شده است و به بزرگواری تان ببخشید. و اگر هم نبخشید کاری از شما ساخته نیست.

در غزنی یک زن فرانسوی که برای دفتر مهاجرین کار می کرد بدست تروریست ها بقتل رسید. مردم محل خود قاتل را دستگیر کردند و با تظاهرات بزرگی این اقدام را تقبیح نمودند. مردم با خانواده، مقتول اعلام همدردی کردند و حتی قصد آتش زدن خانه، قاتل را داشتند. اکنون می شنویم که در بمباران مناطق مسکونی در ولسوالی گیلان در غزنی ده نفر به شمول نه طفل به قتل رسیده اند. تصادف است. ببخشید! آنها می خواستند ملا وزیر یکی از فرماندهان طالبان را بکشند که نفر دهم ملاوزیر بود. عجیب است که آقای خلیل زاد می فرمایند: وجود اطفال در منطقه یی که در آن عملیات جریان داشت سوال برانگیز است!

این مسأله به هیچ صورت سوال برانگیز نیست. عملیات در مناطق مسکونی نتیجه یی بهتر از این ندارد. شما بر هر دستار سیاه گمان ملا عمر و بر هر دستار سفید گمان اسامه بن لادن می برید. تا کنون کمال تکنالوژی جنگی ضد تروریسم شما در کشتن بیگناهان تبارز کرده است. این سلسله تا چه وقت ادامه خواهد یافت؟

عملیات برضد ملا وزیر نه طفل را به کشتن می دهد ولی مولوی صدراعظم در پاکستان آزادانه گشت و گذار دارد! آیا این مسأله سوال برانگیز نیست؟!

در اینجا یک تجربه است که بار بار تکرار می شود. مخالفین طالبان و القاعده در نتیجه، این عملیات به اصطلاح ضد تروریستی بیشتر صدمه دیده اند تا خود طالبان. آیا اینها همه تصادفی است؟ بلی! و اگر می گویید نه دست تان آزاد!

در حالی که ملت افغانستان حضور نیرو های بین المللی حافظ صلح در کشور را در تحکیم صلح و روند بازسازی بسیار حیاتی می دانند ولی در عین حال تقاضا دارند که به هر راپور و گزارش که بدست شان می رسد نباید بدون تحقیق ترتیب اثر بدهند و نباید به این فکر باشد که کشتن یک ملا وزیر و یا ملا برادر ویا حکمتیار ارزش آن را دارد که بخاطرش دها نفر بیگناه هم بقتل برسد.

ما به این باوریم که کسانی که چنین گزارش هایی را به نیروهای حافظ صلح می دهند اکثرا اهل غرضند و باید فرماندهی نیروها به این مسأله توجه جدی تر داشته باشد.



در پارلمان روسیه حزب روسیه واحد اکثریت را به دست آورد

انتظار می رود که در انتخابات دوما(پارلمان) روسیه، حزب روسیهٔ واحد باکسب بیشترین آرا حضور قدرتمندی در پارلمان آن کشور داشته باشد.

حضور قوی حزب روسیهٔ واحد در دومای جمهوری فدراتیف روسیه، الکساندر پوتین را در موقعیت بهتری قرار می دهد، زیرا مهمترین هدف این حزب، پشتیبانی از پوتین است.

کارشناسان می گویند که حزب روسیهٔ واحد، مرامنامهٔ مشخص ندارد وبرنامهٔ کار آن حمایت وسیع وگسترده از پوتین، رئیس جمهور روسیه است. بیشتر این افراد دلیل پشتیبانی این حزب از پوتین را دریک جملهٔ کوتاه می بینند که پوتین در هنگام آغاز به کار آن را اظهار کرده بود: یعنی«اهمیت وموقعیت از دست رفتهٔ روسیه به عنوان یک ابرقدرت، باید مجدداً به دست آید».

در حالی که دوحزب دموکرات باکسب کمتر از پنج در صد آرا به پارلمان راه نیافته اند، ناظران بین المللی دولت روسیه را به علت استفادهٔ حزب روسیهٔ واحد از امکانات دولتی، انتقاد کرده اند. این ها می گویند که به حزب ورسیهٔ واحد فرصت داده شده بود تاعمارات وسایر امکانات دولتی را در انتخابات به نفع خود مورد استفاده قرار دهد.

تحلیلگران می گویند که بعید نیست که بااستفاده از موقعیت حزب روسیهٔ واحد در پارلمان، کوشش هایی برای وارد آوردن تغییراتی در قانون اساسی روسیه، صورت پذیرد. آن ها افزایش مدت کار رئیس جمهور را یکی از این تغییرات پیش بینی می کنند.

قرار آخرین آمار، بعد از شمارش ۹۰در صد آرا ۳۷در صد آن را حزب روسیهٔ واحد به دست آورده است. این ارقام نشان می دهد که پوتین در دوما حمایت شصت در صد از نمایندگان را باخود خواهد داشت.

ناظران سازمان امنیت وهمکاری اروپا پروسهٔ انتخابات را کاملاً مخدوش خوانده اند.

گواه

لویه جرگه دجوړیدو په درشل کي

داساسي قانون دارالانشاء خبر ورکړ چي دقوس پر دوه ویشتمه به لویه جرگه جوړه شي.

جرگه په پولي تخنیك كي جوړیږي او امنیتي تدابیر ورته نیول شوي دي. په وروستیو ورځو کي په ټول هیواد کي د انتخاباتو بهیر په هلهلو او خوږ سره روان و او زابنیي چي وطنوال دخپل سیاسي سرنوشت له ټاکلو سره بي کچه مینه لري.

اساسي قانوني په ملك کي دنظام جوړوني اساس گڼل کیږي او وطنوالو ټینك تصمیم نیولي دي چي ملي او با ثباته نظام به جوړوو. نو ځکه په لویه جرگه کي داساسي قانون پر مسودي هر اړخیز بحثونه به دتصمیم دعملي کیدو مقدمه وي.

دلوي جرگي له غړو څخه غواړو، چي په پوره متانت، تدبر، دور اندیشي او په دي ملك کي دگډه ژوند له پاره خپل بحثونه پرمخ یوسي. دبي ځایه تعصباتو، ناندریو، ژبني اوسمتي مسایلو له طرح کولو ډډه وکړي او هر هغه خبره یا موقف چي دجرگي جریان ته زیان رسوي له هغه نه دي ډډه وکړي.

دملگرو ملتونو او هم دسولي دبهیر له خارجي دوستانو څخه غواړو، چي غړي ازاد پریښودل شي او له لاسوهنو مخه ونیول شي.

وطنوال مو ټینك په طمع دي. چي دوطن دملي شرایطو او فرهنگ مطابق داساسي قانون مواد تصویب شي او دنورو ټولنو دارزښتونو تحمیل به ددي ټولني مشکلات لاوړ زیات کړي. نو ځکه دبهرنیو دوستانو غواړو چي دپروسي ددغي جریان پرمخ وړلو کي زموږ سره مرسته وکړي.

په غزني کي نهه تنه ماشومان په یوه هوایي بمباري کي شهیدان شول

دامریکي دهوایي قواوو دیوي الوتکي دبم دغورځولو له امله دغزني په گیلان ولسوالي کي نهه تنه ماشومان شهیدان شول.

ددفاع وزارت دایتلاف دپوځونو مسولینو په دي باب اندیښنه څرگنده کړي دي او هیله یي کړي چي دغي پیښي بیا تکرار نه شي.

په کابل کي دامریکي سفیر زلمي خلیلزاد خبریالانو ته ویلي دي چه په دي اړه یوه هیئت ته دنده سپارل شوي ده. چي دپلټني په باب څیرنه وکړي دخلیل زاد په وینا دغه راز پیښي دتاسمو او غلطو اطلاعاتو له امله را مینځ ته کیږي. بلخوا دملگرو ملتو دسازمان څانگړي استازي لخضر ابراهیمي هم په دي باب ژور خپگان څرگند کړي دي او غوښتنه یي کړي چي دعملیاتو په بهیر کي دملکي خلکو ژوند ته خطر پیښ نه شي. دیادوني وړ ده چي له دووکالونو را هیسي دغه راز پیښي په بیلا بیلو سیمو کي رامنځته شوي دي.

چند مطلب مهم در بارهٔ تصویب ...

حاکمیت های فردی در افغانستان به استبداد و مردم ستیزی انجامیده است.

* قانون اساسی باید ضامن تأمین وحدت ملی باشد و وحدت ملی جز برپایهٔ برادری وبرابری وعدالت تأمین نمی تواند شود.

* احکام انتقالی باید از قانون اساسی حذف شود، ومباحث مربوط به دورهٔ انتقالی در یک وثیقهٔ جداگانه مورد تصویب نمایندگان قرار گیرد چون مباحث قانون اساسی باید چشم به آینده های دور داشته باشد نه چند ماه در آیندهٔ قریب که از عمر دولت انتقالی مانده است.

* همهٔ نمایندگان لویه جرگه یا تعدادی از آنان به عنوان پارلمان موقت در کنار دولت انتقالی صلاحیت های پارلمان در قانون اساسی را به عهده بگیرد.

* تأکید صورت بگیرد که انتخابات پارلماتی همزمان با انتخابات ریاستی آغاز و انجام یابد تا خلأ از باب پارلمان وجود نداشته باشد و دولت در این مدت بی مهار نباشد.

این ها مسائل بسیار مهم و دموکراتیکی است که باید مورد توجه نمایندگان محترم لویه جرگه قرار گیرد.

شهروندان کابل، نمایندگان ...

واین برای آنانی که مایلند مسودهٔ قانون اساسی جدید افغانستان را به شکل فعلی اش تصویب کنند چندان قابل تحمل نیست.

مدتهاست که رسانه های غربی تبلیغات وسیعی را به راه انداخته اند تانشان بدهند که میزان محبوبیت مجاهدان در افغانستان تقلیل یافته است وتفنگداران بافشار وزور می خواهند نمایندگان مطلوب خود را به لویه جرگهٔ قانون اساسی راه دهند.

رأی دهندگان کابل در حضور نمایندگان سازمان ملل متحد وکمیسیون حقوق بشر بگونه یی آزاد وسری رأی دادند وهیچ تفنگداری هم در نواحی شان برآنها فشاری وارد نکرده است.

مسودهٔ قانون اساسی جدید افغانستان برنظام ریاستی تأکید دارد، در حالی که آقای حامد کرزی از آن قویاً جانبداری می کند واعلان داشته است که در صورت تصویب این مسوده وریاستی بودن نظام آیندهٔ افغانستان او به مقام ریاست جمهوری آیندهٔ افغانستان کاندید می باشد.

این در حالی است که در انتخابات ولسوالی های ولایت کابل نیز اکثریت طرفداران مجاهدان به لویه جرگهٔ قانون اساسی افغانستان راه یافته اند که برای بسیاری از گردانندگان لویه جرگهٔ قانون اساسی چندان خوش آیند نمی باشد.

در رأی گیری های ولسوالی های ولایت کابل پروفیسور عبدرب الرسول سیاف بالاترین رأی را به دست آورده است.

احزاب سیاسی در پیش و پس از به قدرت رسیدن

عبدالواحد خرم

هر حزب سیاسی تا رسیدن به قدرت مترقی است و از ارزش هایی حرف می زند که مردم بدانها احترام و اعتقاد دارند، چون منبع حیات احزاب سیاسی مردم است و برای بقای خویش ناگزیرند قبل از به قدرت رسیدن شعار هایی را سر بدهند که حمایت مردم را با خود داشته باشند اما حقانیت شعارها و اهداف سیاسی احزاب پس از کسب قدرت نمایان می شود.

هر جریان و هر حزب سیاسی ماهیت اصلیش را با قرار گرفتن در رأس قدرت نشان می دهد، حکومت اگر مظهر قدرت وآقایی وحکمروایی وزور گویی ومنبع شأن ودبدبه می تواند باشد، معرفی کنندهٔ شخصیت واقعی سیاستمداران نیز است. حکومت آیینه یی است که سیمای واقعی وذات درونی سیاستمداران را نشان می دهد. سیاستمداران اگر در هرکجا، در لفافهٔ هرسخن، در قالب هر ایدیولوژی در چارچوب هر گونه شعارهای انسان دوستانه وعدالت خواهانه وآزادی خواهانه خود را پنهان کنند؛ اما وقتی که در رأس حکومت قرار گرفتند، هویت وماهیت اصلی خویش را برای مردم روشن می سازند.

احزاب سیاسی درمیان مردم وبا اتکای مردم به مبارزهٔ سیاسی خویش می پردازند. اگر مردم بااحزاب سیاسی نباشند هیچ حزبی قدرت سیاسی را به دست آورده نمی تواند، الا این که باکودتاهای نظامی وتوطیه های سیاسی وسازش باقدرت های بیرونی ویا در مجموع از راه های خشونت آمیز ومشکوک، حکومت را کسب کنند، که در این صورت احزابی که از طریق کودتا یا زور وتوطیه برسرنوشت مردم حاکم شوند، این احزاب نه ارزشی برای حقوق وآزادی های مردم قایل اند ونه برای رأی ورضایت مردم در حکمروایی خویش اهمیتی می دهند.

اکثریت احزاب سیاسی در افغانستان قبل از به قدرت رسیدن خود را مترقی، عدالت خواه، حامی دین و آزادی خواه معرفی کرده اند ولی بعد از رسیدن به قدرت رژیم های سیاسی استبدادی راخلق کرده اند. بدون شک افغانستان از لحاظ ذخایر طبیعی یکی از کشورهای غنی وثروتمند دنیا است که ظاهراً فقیر است. این کشور بزرگ ترین ثروت های سرشار نفت وگاز ومعادن ارزشمند جامد را در خود نگه داشته واز لحاظ داشتن، میراث های فرهنگی آثارباستانی وآبدات تاریخی در آسیا از جایگاهی ویژه برخوردار است اما بدبختی جنگ، ملت را در سطح پایینی از آگاهی در بارهٔ مسایل اجتماعی - سیاسی وتاریخی نگه داشته است. بیسوادی و نا آرامی های ناشی از خطرات درگیری ها در ذات خود فقر است واحزاب سیاسی که از چنین اجتماعی ظهور نمایند خود فقیراند.

در نتیجهٔ روی کار آمدن احزاب سیاسی ورژیم هایی که بعد از سال۱۳۵۲توسط زور نظامی قدرت سیاسی را تصاحب کردند، دروازهٔ مکتب به روی دختران بسته شد، میلیون ها انسان مهاجر و آواره گشت، شهرها وروستاها به خصوص شهر کابل ویران گردید وبعد سوخت، تمامیت ارضی واستقلال کشور مورد معامله قرار گرفت. خارجیان بهترین فرزندان وطن را به شهادت رسانیدند از کشور ما مرکز تروریزم بین المللی ساخته شد وقرار گاه رزمی یاغیان جهان گردید وما از آنها مهمان نوازی کردیم، افغان ها در هر گوشهٔ دنیا اشخاص بی وطن، آدم کش وهیروئین فروش و بدمعامله معرفی شدند. خود افغان ها ناقض حقوق بشر شدند. افغان بالای ناموس افغان تعرض کرد، دو میلیون قربانی دادیم وهزارها معلول ومعیوب و... وهنوز هم تعدادی وسیلهٔ جنگ اند و در اطراف واکناف کشور به خاطر تداوم جنگ تلاش خائنانه می ورزند. اما احزاب سیاسی نه تنها این که بار مسؤولیت این همه خرابیها را بدوش نمی گیرند بلکه در راه موجودیت افغانستان به مثابهٔ کشوری مستقل و آزاد و بدون جنگ دارای اردوی ملی جدوجهد نکرده ودر خصوص استخراج واستفادهٔ معقول از ذخایر طبیعی کشور وبهبود سطح زندگی مردم نیندیشیده اند.

چرا نظام پارلمانی را عنوان ...

ویا رأی دادن که در حقیقت وماهیت خود، قراردادی میان دوطرف است به یک رابطهٔ نابرابر میان حکمروایان ومردم شان بدل می گردد که یک طرف از حق فرمانروایی برخوردار می شود، اما طرف دیگر به موجب همین عقد، از قدرتی که طرف دیگر آن دارد، او را ملزم به اجرای احکام وپابندی به شورا وعدالت نماید بی بهره می کند، واین امر باعث می شود که این قرار داد باچنین وضعی نه یک قرارداد وکالت بلکه داد وستدی است نسیه باوعدهٔ پرداخت بها درآینده یی نامعلوم ونتیجهٔ نهایی هم این که قرارداد بیعی است رایگان.

آری! بربنیاد همچو یک طرز دید است که مامسؤولیت ریاست دولت در برابر پارلمان را عنوان می کنیم وپارلمان یا مجلس نمایندگان انتخابی ملت را ناشی از قدرت ملت بخوانش گرفته وآن را تعیین کنندهٔ خطوط کلی سیاست عمومی کشور ومسؤول مراقبت از تطبیق قانون اساسی یی می دانیم که نظام ریاستی را باچنان صلاحیت های داده شده به ریاست دولت خود دیکتاتوری می خواند تقابدار.

اگر در بینش سیاسی اسلام این منطق را بپذیریم طوری که ریسو می گوید: «قدرت قدرت را محدود می کند» مصداق آن همان خواهد بود که قدرت شخص اول در یک کشور اسلامی در صورت بیراهه شدن از حق وعدالت وقدرت وزیران وکارگذاران را تنها توسط قدرت عامهٔ مسلمانان یک کشور می توان محدود نمود.

شکی نیست در حالت ویژهٔ کنونی که کشور ما فاقد هرگونه نهادهای مدنی بوده وسطح آگاهی عامهٔ مردم پائین است، تنها نهادی که قدرت جلوگیری از خودکامگی واستبداد و سازش های حکمروایان را داراست، همانا پارلمان است که انتخاب مردم را تمثیل می کند وبامشروعیت مردمیی که دارد صلاحیت دارد تا جلو خودکامگی های دولت را در عرصه های مختلف بگیرد وهمین نهاد است که صلاحیت باز رسی از امور حکومت وریاست دولت را دارد.

گذشته از آن که نظام های پارلمانی باپایه های مردمی یی که دارند، از مقبولیت بیشتری نزد توده ها برخوردار می باشند، اما یقیناً نظام های ریاستی هم خوبی هایی را در برخی کشورها برای مردم آورده اند که نمی توان از آن ها چشم پوشید، اما آنچه مهم است انتخاب هریک از آن ها را با در نظر داشت وضع کنونی کشور ترجیح داد.

افزون برهمه آنچه گفته آمد، فلسفهٔ وجودی حکومت قانون همانان ختم بحران ورفتن به سوی ثبات وامنیت وایجاد تدریجی جو اعتماد است، نظام ریاستی در شرایط ویژهٔ کنونی بجای آن که در ایجاد جو اعتماد وبرقراری ثبات وامنیت نقشی را ایفا نماید، خدای نخواسته بحران هایی دیگر ایجاد خواهد کرد که خداوند ملت ما را از آن نجات دهد.

نشر مطالب کذب شخصیت حقوقی...

از مسوولین وگردانندگان مجاهد می پرسند که چرا با چاپ مطالب کاذبانه و تزویری می خواهند در میان جراید آزاد از اعتبار خود بکاهد، مجاهد نباید انعکاس دهندهٔ ارضای عقده های افراد واشخاص عقده مند باشد باید جایگاه خود را در میان مطبوعات کثرت گرا دریابد و به جای روابطه ها بر ضوابطه ها اتکا نماید.

★★★

پاسخ "مجاهد" به نامه فرستندگان شورای محترم شهروندان کابل

السلام علیکم!

جاداشت که نامهٔ شما عنوانی یک نشریه آن هم در حالی که وزیر اطلاعات وفرهنگ ریاست شورا ومعین آن وزارت، معاونت شورا رابه عهده دارد، عاری از اغلاط املایی وانشایی می بود؛ ولی با تأسف که چنان نیست و ما هم به دلیل امانتداری لازم ندیدیم به اصلاح آن بپردازیم.

شما خودتصور کنید که دعوت از رهگذران برای اشتراک در جلسهٔ شورا آن هم در سرک عمومی مقابل مسجد عید گاه بر چه معیار واصولی استوار می تواند باشد؟

تصاویری که از جلسات شورا دردست است ودرمطبوعات به نشر رسیده است، نشان می دهد که ماموران وزارت اطلاعات وفرهنگ، بیشترین تعداد افراد اشتراک کننده در جلسات را تشکیل می دهند به معناست؟

استفاده از سالن مطبوعات بین المللی کابل برای تدویر جلسات شورا چه معنایی دارد؟ آیا خود این عمل نشان نمی دهد که از مؤسستات دولتی به منظور اهداف شخصی وغیر دولتی استفاده صورت می گیرد؟

به نظر ما جناب رئیس دولتاگر چنان حرفی را به آدرس شورا گفته باشند، کاملاً درست وبه مورد گفته اند.

شما فرموده اید که آزادی مطبوعات به معنی تعرض بر رجال (های) دولتی، اعضای کابینه و اشخاص عادی جامعه نیست.

نظر ما این است که این پند ارزشمند تان را پیشتر از ما به گوش آنانی برسانید که مطبوعات دولتی را به چنین منظوری آن هم برای چندین بار مورد استفاده قرار داده اند و پیوسته مورد انتقادهای معقول و وارد قرار داشته اند.

"مجاهد" متن نامهٔ توهین آمیز شما را به نشر سپرد وقابل تذکر می داند که در پای نامه امضای شش تن از ماموران وزارت اطلاعات وفرهنگ به عنوان اعضای شورای شهروندان کابل، سیاه شده است و تذکر می دهد که حد اقل در همین مورد کوشش می کردید تا امضای افرادی غیر از ماموران وزارت اطلاعات وفرهنگ را حاصل کنید.

به امید اقدامات مسؤولانه ومعیاری شما.

مجاهد

وآنان که در راه ما با جان ومال جهاد کردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

● مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.
● مطالب آمده مسترد نمی گردد .
● آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا از عالی ترین آرزوهای ماست

دور ششم | سال دوم | شماره هفتم | چهارشنبه ۱۹ قوس ۱۳۸۲ | ۱۶ شوال المکرم ۱٤۲٤ - 10 December 2003

انتخابات وکلای شهریان کابل و دیدگاه ها

گزارشگر: نظام الدین ملکیار

روز دوشنبه ۱۷ قوس انتخابات نماینده های مردم شهر کابل برای لویه جرگهٔ تصویب قانون اساسی در ستدیوم ورزشی کابل برگزار گردید. قبل از تدویر انتخابات برای کاندیداها فرصت داده شد تا خود و برنامهٔ بعدی خود را معرفی نمایند. در این انتخابات ٤٤ کاندیدا برای احراز ۳۲ کرسی به مبارزه پرداختند. گزارشگر «مجاهد» برای دریافت دیدگاه های وکلا و رأی دهندگان صحبتی را با برخی از آنان گفتگویی انجام داده است که می خوانید:


حاجی افسر خان


حسین علی


سید امیر شاه سادات

حاجی افسر خان وکیل ناحیهٔ چهارم، انتخابات وکلای لویه جرگه را امیدوار کننده خواند و علاوه نمود که محل انتخابات از نظر امنیتی کاملاً مصؤون بوده وعلاوه بر نیروهای امنیتی داخلی نیروهای آیساف نیز جهت امنیت هرچه بیشتر مؤظف گردیده اند.

زهرا «معروف» استاد مکتب چهار قلعهٔ وزیر آباد که از جملهٔ رأی دهندگان بود، جریان انتخابات را صلح آمیز توصیف نمود و اظهار داشت:

«من منحیث یک زن افغان از تمام نمایندگان مردم می خواهم تا وکیلی را تعیین کنند که اهلیت ولیاقت را جهت اصلاح مواد قانون اساسی داشته باشد».

– حسین علی «معین» کارمند وزارت امور زنان که از کاندیدای خود منصرف شد، دربارهٔ این که چه کسی باید وکیل باشد گفت:

«از همه مهم تر این است که شخص وکیل باید تحصیلات عالی ودید وسیع داشته باشد تابتواند همه جوانبی را که در گذشته ها از نظر به دور مانده بود مطرح کند تا باشد که افغانستان آباد، وریشهٔ جهل از آن برکنده شود».

وکلای جمع آمده در ستدیوم ورزشی در مورد نوع نظام آینده نیز نظریاتی داشتند.

– داکتر سید امیر شاه سادات نمایندهٔ ناحیهٔ ششم دربارهٔ نظام آیندهٔ کشور گفت:

«به نظر من نظام پارلمانی بهتر است زیرا از دیکتاتوری جلوگیری می کند و یگانه طریقهٔ تأمین عدالت اجتماعی و دموکراسی همانا نظام پارلمانی است».

– «محب» یکی از وکلای لویه جرگهٔ اضطراری خواستار تصمیم مسؤولانه وکلای مردم در لویه جرگه شد و گفت:

«تأمین عدالت اجتماعی و رسیدن به یک نتیجهٔ کاملاً درست وظیفه و مسؤولیت وکلای محترم است».

او در ادامهٔ سخنانش گفت:

«از آغاز تا حال هر رئیس دولت به نفع خود قانونی ساخته و هیچگاه قانونی مردمی که همیشه باقی بماند ساخته نشده است بناءً با گذشت زمان و از کار افتیدن همان دولت، قانون اساسی آن نیز محو شده است بناءً تقاضای من از وکلای محترم لویه جرگهٔ فعلی این است که مواد قانون اساسی را طوری عیار کنند که مورد قبول همهٔ اقشار ملت افغانستان باشد و منحیث وثیقهٔ ملی برای سال هایی زیاد باقی بماند. قانون اساسی، ما در همه قوانین خوانده شده است اگر در قانون اساسی اندکی سهل انگاری شود مشکلات بسیاری را به وجود خواهد آورد لذا باید در تصویب آن دقت واحتیاط لازم به خرج داه شود».

عده یی از وکلا خواستار دموکراتیک بودن فضای لویه جرگه وشرایط تصویب قانون اساسی نیز بودند.


زهرا معروف


عظیم الدین محب


محمد ظاهر کارگر


محمد کاظم ظفر

– محمد ظاهر منشی دارالانشای شورای مرکزی اتحادیهٔ ملی کارکنان افغانستان در این مورد گفت:

«وضعیت داخل تالار باید کاملاً دموکراتیک و آزاد باشد تا نمایندگان مردم به صورت عادلانه و مسوولانه در مورد همه مواد قانون اساسی ابراز نظر کنند».

او در مورد نوعیت نظام آیندهٔ کشور گفت:

«به نظر من نظام پارلمانی بهترین نمونه است، نظام ریاستی را جداً رد می نماییم زیرا به مرور زمان نظام ریاستی به دیکتاتوری می انجامد».

او در مورد تابعیت دوگانهٔ اعضای کابینه چنین ابراز نظر نمود:

«بعضی از هموطنان ما که در کشورهای دیگری زندگی مرفه داشتند و نه جنگ را دیدند و نه بد بختی را حس کردند فعلاً حکام کشور اند وکسی که بد بختی را در این جنگ خانمان سوز تحمل کرد فعلاً غمخواری ندارد. برای این که هم وفاداری اعضای کابینه نسبت به کشور ثابت شده باشد و هم مردم نسبت به آنان مطمئن باشند، باید اعضای کابینه، اعضای ستره محکمه، منصبداران قوای مسلح و احراز کنندگان پست های کلیدی تابعیت دوگانه و همسر خارجی نداشته باشند».

با آن که شکایات جزئی در مورد شیوهٔ انتخابات وجودداشت اما محمد کاظم ظفر نماینده مردم ناحیه دوازدهم ضمن رضایت از نتایج انتخابات گفت:

«انتخابات کاملاً عادلانه بود زیرا ما به صورت علنی ودر فضای آزاد بدون جبر رای خود را به وکیل مورد نظر خود دادیم وخیانت دراین باب صورت نگرفت».

او در مورد نظام آیندهٔ کشور چنین گفت:

«چون نظام افغانستان در سابق نیز شاهی بود بناءً ما خواستار نظام شاهی مشروطه جهت رشد هرچه بیشتر افغانستان وملت مظلوم افغانستان می باشیم.»

– دکتر ستانکزی نماینده ناحیهٔ دوازدهم شهر کابل که در نتیجهٔ انتخابات موفق گردید، به کسانی که به او رأی داده بودند وعده سپرد که در لویه جرگه از نظام پارلمانی حمایت خواهد کرد. او گفت:

«به حیث یک داکتر روی مواردی که عرضهٔ خدمات بهتر صحی به مردم را تضمین کند پافشاری بیشتر خواهم کرد».

به صورت فشرده می توان گفت که انتخابات نمایندگان مردم شهر کابل در فضای کاملاً دموکراتیک و آزاد صورت گرفت. آن گونه که در پایان انتخابات به مشاهده رسید تمامی نمایندگان و رای دهندگان از نتیجهٔ انتخابات راضی به نظر می رسیدند.

از نامه های آمده

هشت نفر از شورای شهروندان کابل تحت ریاست وزیر اطلاعات وفرهنگ:

نشر مطالب کذب شخصیت حقوقی گردانندگان (مجاهد) را زیر سوال می برد

*(مجاهد) بعد از این بجای روابط ها بر ضوابط ها اتکا نماید.

املاء ونوشتار این نامه مربوط وزارت اطلاعات وفرهنگ وشورای شهروندان کابل است که مجاهد آن را بدون دخل وتصرف چاپ کرده است.

هفته نامهٔ وزین مجاهد ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان در شمارهٔ ششم ۱۲ قوس ۱۳۸۲ خویش، مطلبی را زیر عنوان **(طرح کابلی وغیر کابلی حرکتی به سوی تفرقه ونفاق)** را به چاپ رسانده که در تیترء نخست آن گویا **(مامورین اطلاعات وفرهنگ جبراً به جلسات شورا فرا خوانده می شود.)** را باز خوانی می نمایم وتأسف می کنیم که چرا دوست نویسنده نا آگاه مجاهد به نوشت مطالب کاذبانه مبادرت می ورزد، وبر اعتبار واعتماد گردانندگان مجاهد صدمه زده شخصیت سیاسی و حقوقی گرداننده گان نشریه را زیر سوال ببرد.

لازم میپنداریم تا به پاسخ نویسندهٔ کج قلم وکج نویسی که اسم ورسمی را خلاف روش های ژورنالیزم در مطلب منتشره اش از خود به جای نگذاشته قلم بر داریم و بنویسیم که: ژورنالستان هرچند که تعلقات سیاسی، قومی، مذهبی، وسمتی داشته باشند باید اصول وژانرهای ژورنالیزم را مراعات نمایند و واقعیت گرا باشند، نامه نگاران باید شیوه نگارش شان بر فاکت ها، مدارک، اسناد، ارقام و حقایق استوار باشد نه بر شایعات و آوازه ها.

اخبار ومطالب افترا آمیز را هر شخص می تواند به پیمانه استعدادش بنویسد و به شخصیت های متعددی جامعه بتازد، اما نباید این نکته را از یاد ببرد که آزادی مطبوعات به معنی تعرض بر رجال (های) دولتی، اعضای کابینه، واشخاص عادی جامعه نیست.

آزادی مطبوعات در چار چوب قانون مطبوعات محدودیت های را باخود دارد قانون برای هیچ شخص اجازه نمی دهد تا از نام و آدرس یک شخص به اشخاص دیگری تهمت بست، اهانت کرد و تعرض نمود.

نقل قول نمودن از نام رئیس دولت در حالی که در بیانات و سخنرانی های ایشان به زبان گفته نشده باشد و به وسیله یک نامه نگار ویک نویسنده در مطبوعات انتشار می یابد **(عذر بدتر از گناه است)** درواقعیت همچو نویسندگان به نوحی مرتکب جرمی شده اند که خود را بجای رئیس دولت قرار داده واز نام و آدرس یک مقام عالی دولتی چیزی را به تزویر میکشند و چاپ مینمایند .

به گفته منابعی از دفتر مطبوعاتی ریاست دولت و اعضای شورای شهروندان کابل که در دیدار با جلالتماب حامد کرزی رئیس دولت انتقالی اسلامی افغانستان در روز سوم عید سعید فطر حضور داشتند چنین مطلبی از زبان جناب رئیس دولت در جریان سخنرانیشان گفته نشده، پس دانسته نشد که نویسندهٔ محترم این خبر را از کجا به دست آورده است؟

اگراز ایشان پرسیده شود که جناب شان به استناد کدام دلایل این مطلب رانوشته است؟

آیا نگارندهٔ مطلب در میان شورای شهر وندان کابل تشریف داشتند؟

اگر چنین چیزی نبوده پس چگونه به خود جرئت داد تا به نوشت و نشر مطلب دروغین مبادرت ورزد، در جای دیگر این خبر می خوانیم که **(مامورین وزارت اطلاعات وفرهنگ جبراً به جلسات شورای شهروندان کابل فرا خوانده می شود و حتی در مواردی درب خروجی به رخ آنان بسته شده بود تا از جلسات فرار نکنند.)** نشر یک چنین خبر در نزد مامورین وزارت برای نویسندهٔ گرامی مجاهد جز افتضاح بیش نیست که خود را مسخ نموده است.

کارمندان وزارت اطلاعات وفرهنگ تاکنون همچو اتفاقی را شاهد نیستند، آنان ضمن این که نشر خبر خبرنگار مجاهد رانکوهش نموده آن را کذب محض دانسته ص۷